

شهرنامه‌های استان بوشهر / ۴

دشتستان

تاریخ، سرزمین، فرهنگ

تألیف:

زکریا راستگار

انتشارات آبتین نگار

۱۳۹۲

سرشناسه : رستگار، زکریا، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور : دشتستان: تاریخ، سرزمین، فرهنگ / تألیف زکریا رستگار؛ به سفارش استانداری

بوشهر؛ زیر نظر اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر.

مشخصات نشر : بروجن: آبتین نگار، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۷۹۲ ص.؛ مصور، جدول.

فروست : شهرنامه های استان بوشهر؛ (ج ۱)، ۴.

شابک : 978-600-6967-06-6؛ دوره: ۸-978-600-6967-02-8؛ ۲۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فبا

یادداشت : کتاب نامه ص ۷۹۱-۷۹۲-۷۵۰.

یادداشت : ---

موضوع : شهرها و شهرستان ها -- ایران -- بوشهر

موضوع : دشتستان

شناسه افزوده : استانداری بوشهر

شناسه افزوده : سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر

شناسه افزوده : شهرنامه های استان بوشهر؛ ۴.

رده بندی گنگره : ۱۳۹۲ ج ۴، ۵۳۵/۵۳/ DSR2۰۰۳

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۶۴

شماره کتاب شناسی ملی : ۲۸۷ ۹۸

بروجن. الهیه. مؤسسه انتشارات آبتین نگار.

abt.in.negar@yahoo.com

دشتستان (تاریخ، سرزمین، فرهنگ)

زکریا رستگار

طرح جلد و صفحه آرایی: علیرضا علی نژاد

ناشر: آبتین نگار، با همکاری: آشیان

لیتوگرافی: فیلم گرافیک

چاپ: متین

صحافی: ولیعصر

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

این کتاب به سفارش و سرمایه استانداری بوشهر و زیر نظر اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر تألیف و انتشار یافته است.

قیمت ۲۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیش گفتار	۷
بخش اول: تاریخ	۲۳
فصل اول: وجه تسمیه	۲۵
فصل دوم: در گذر زمان	۲۸
فصل سوم: آثار باستانی و تاریخی	۸۴
بخش دوم: سرزمین	۲۹۳
فصل اول: جغرافیای طبیعی	۲۹۵
فصل دوم: جغرافیای انسانی	۳۳۴
فصل سوم: جغرافیای اقتصادی	۳۹۲
فصل چهارم: جغرافیای سیاسی	۴۰۷
فصل پنجم: روستاهای تابعه	۴۳۰
بخش سوم: فرهنگ	۵۹۹
فصل اول: فرهنگ عمومی	۶۰۱
فصل دوم: فرهنگ و آموزش	۶۳۶
فصل سوم: فرهنگ عامه	۶۴۴
فصل چهارم: ناموران فرهنگ و هنر	۶۶۱
سرچشمه ها	۷۵۰

پیش‌گفتار

شهرنامه‌نویسی

تاریخ‌های محلی یا شهرنامه‌ها، حافظه تاریخی شهرها محسوب می‌گردند. آگاهی‌های موجود در شهرنامه‌ها، اغلب منحصر و معطوف به یک منطقه و محل جغرافیایی هستند.

به همین جهت، در مقایسه با تاریخ‌های عمومی، به طور عمده حاوی اطلاعات دقیق و گاه تفصیلی از شهر و دیاری خاص هستند.

به همین جهت است که می‌توان خیمه تاریخ عمومی یک کشور را بر فراز تاریخ‌های عمومی آن برافراشت. به عبارت دیگر، تاریخ عمومی یک کشور در حکم جدول متقاطعی است که خانه‌های آن را شهرنامه‌ها می‌سازند.

شهرنامه‌ها، امتیازات ویژه‌ای دارند، چرا که حاوی جزئیات بوده و پر از مواد کمیاب و نادرند و مملو از اطلاعات ذی‌قیمتی درباره سلسله‌های محلی و زندگی‌نامه‌های بزرگان و احوال اجتماعی هستند.

در یک نگاه، تاریخ نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک مکان جغرافیایی (شهر، ایالت، ناحیه) می‌پردازد.

دکتر یعقوب آژند (ی. میاندوآبی) در این باره می‌گوید:

«از نحلّه‌های دیگر تاریخ‌نگاری در ایران، تاریخ نگاری محلی بود که به خصوص در پیش از دوره صفویان و نیز در دوره قاجار از اعتنای ویژه مورخان برخوردار شد.

این نوع تاریخ‌نگاری، از حس شهر وطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را در دل تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان آنها بوده است.

گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ایالات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز، به خصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها، اهمیتی درخور داشته است.

در تاریخ‌نگاری محلی ایران هم نوعی تداوم نهفته بوده و ذیل نویسی از ویژگیهای آن به‌شماره می‌شده است.

نویسندگان در ادارات مختلف، سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان بدان می‌افزودند.

از آن جا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی در ظهور و رشد این نوع تاریخ‌نگاری بوده، از این رو در آن وجود افسانه‌ها و روایت‌های گزافه از برای بزرگنمایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست.

تاریخ‌نگاری محلی نوعی شهرشناسی در دل تاریخ است که اطلاعات جامع و همه جانبه در باره کیفیت و چگونگی به وجود آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام‌آوران علم و ادب و هنر آنها، بناها و عمارات و مزارات و خصوصیات جغرافیایی و حتی اقتصادی و اجتماعی دارد.

در بعضی از تواریخ محلی اطلاعاتی آمده که در تواریخ دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.^۱

بدون شک، وجه اصلی و مشخصه شهرنامه‌ها، پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است. عناصر سیاسی، فرهنگی،

اجتماعی و یا اقتصادی در تعیین و تشخیص آن دارای تقدم نیستند و همگی مؤخر بر عامل جغرافیایی واقع می‌شوند.

تاریخ محلی به عنوان جزئی از تاریخ ملی، اساساً به مانند امر جزئی، معنا، مفهوم و موفقیت خود را از امر کلی می‌گیرد.

شهرنامه‌ها یا تاریخ‌های محلی عموماً منفردند و به طور خاص به یک محل یا یک خاندان محلی می‌پردازند؛ مانند:

۱. تاریخ نیشابور، نوشته حاکم نیشابوری
۲. تاریخ بهق، نوشته ابوالحسن بیهقی ابن فندق
۳. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، نوشته معین‌الدین اسفزاری

۴. فضایل بلخ، نوشته صفی‌الدین ابوبکر عبدالله
۵. بدیع الزمان فی وقایع کرمان، افضل کرمانی
۶. تاریخ یزد جعفری، نوشته جعفر بن محمد جعفری
۷. آثار المعجم، نوشته فرصت‌الدوله شیرازی
۸. فارس نامه ناصری، میرزا حسن فسایی
۹. تاریخ کرمان، نوشته احمدعلی خان وزیری
۱۰. نصف جهان فی تاریخ اصفهان، نوشته محمد مهدی بن محمدرضا

۱۱. مرآة القاسان، نوشته عبدالرحیم کاشانی
 ۱۲. تاریخ قم، نوشته صاحب بن عباد
 ۱۳. تاریخ طبرستان، نوشته ابن اسفندیار
 ۱۴. تذکره شوشتریه، نوشته باقر حسینی شوشتری
 ۱۵. تاریخ گیلان، نوشته عبدالفتاح مؤمنی
- شهرنامه‌ها، معمولاً به تاریخ و جغرافیای محلی، انساب، علم حدیث، مزارات و امور وقفی، دیوانی و ایل‌شناسی نیز می‌پردازد.

انداک و محدودی روبرو شدم، که در کوتاه‌ترین زمان ممکن رفع می‌شد و به یاری تلاش و تجربه، راه خویش را به سوی موفقیت هدفمند و زمان‌بندی شده و نظام‌مند و اصولی به پیش می‌بردم.

دانش ما، حاصل یافته‌های پیشینیان ماست. همان‌ها که جان گذاشتند و در جستجوی حقیقت، ریگ به ریگ، کوه به کوه، رود به رود، گذشته و حال و آینده را درنوردیدند.

با افتخار می‌گویم:

این نبشته‌ها، حاصل کشت زارغانی است که نشان پژوهش و تحقیق و نوشتن بر سینه دارند. و چرا به خود نبالم که در سرزمین جنوب، صداها کتاب و رساله و پایان نامه و مقاله نوشته شده. که عصای دست من در این طرح پژوهشی است.

استناد به دسترنج پیشینیان، با ذکر مأخذ و منبع، سپاس از زحمات آنهاست. دانش ما یک شبه به وجود نیامده. خشت خشت و قطره قطره و ذره ذره، تا امروز رسیده و من و امثال من به فردا و فرداها تحویل می‌دهم. بنای من در این پژوهش، بر چند قاعده استوار می‌باشد:

۱. انتشار حداکثری داده‌های اطلاعاتی مورد نیاز: آمار و اطلاعات منتشره توسط دستگاه‌های دولتی، به صورت مکتوب یا رسانه‌ای، توهم محرمانه‌سازی را بی‌اثر نموده و اهتمام بر اصل اطلاع‌رسانی عمومی به شیوه «معمول» و «مناسب» در سرلوحه تحقیقات من قرار داشته است. محرم ندانستن مردم عزیز و قدرشناس، به بهانه‌های واسی برگرفته از اذهان مسموم و رشد نیافته و تخیل بافی تأثیر منفی «آگاهی» مردم از وضعیت موجود، حتی یک لحظه هم به مخیله پژوهشگر طرح، خطور نکرده است.

۲. نگاه شهرستانی: این کتابچه‌ها، بر اساس نگاه شهرستانی تنظیم شده است، نه مبنا قرار دادن مرکز هر شهرستان.

در برخی از شهرستان‌ها، مرکز شهرستان از سابقه و موقعیت تاریخی و جغرافیایی خاصی برخوردار نبوده و نپرداختن به شایستگی‌های توابع آن شهرستان، ظلم به تاریخ و فرهنگ آن منطقه محسوب می‌گردد.

تقسیم متن و محتوای کتاب‌ها به گونه‌ای بوده که محور نوشتار بر هویت «شهرستانی» باشد، یعنی اگر گفته می‌شود شهرستان ۷۰۰۰ ساله فلان، هیچ گاه منظور من قدمت ۷۰۰۰ ساله مرکز آن شهرستان نیست.

۳. زاویه دید عام: مخاطب این آثار «عموم» مردم هستند، با پرهیز از «ساده نویسی». مستند و واقعی بودن نوشته، یکی از بدیهی‌ترین اصول رعایت شده در این پژوهش است.

سعی و اهتمام من بر این بوده که به تبلیغ و ترویج افسانه‌ها و «خرافات» نپردازم، در عین حال که به ارزش‌های «حسنة» سنتی مردم نیز احترام بگذارم.

۴. اجتناب از تلخ‌نویسی: هدف غنایی ایسن پژوهش، تدوین شناخت‌نامه شهرستان‌های استان بوشهر است و نه «مصیبت‌نامه» یا «رنج‌نامه» نویسی.

روستاها «محروم» اند و شهرها «توسعه نیافته» بسیاری از مردم، از فقر و بیکاری و بیماری و اعتیاد و تبعیض رنج می‌برند. دردهایی که روزی با پشتکار همین مردم «درمان» خواهد شد.

این طرح، هرگز به سمت «عیب‌یابی» وضعیت موجود، ارائه راه حل و درمان نواقص و بیان نیازهای هر بخش از جامعه، قدم برنداشته است.

این کتاب‌ها، شناخت‌نامه یا به عبارت دقیق‌تر شناسنامه فرهنگی هر شهرستان است، که به مردم ایران و جهان معرفی می‌گردد.

در هیچ موردی، نه راه «غلو» را پیموده‌ام و نه به بیراهه «تملق» افتاده‌ام. به مدح و ثنای هیچ مدیری اهتمام نداشته‌ام و کوچه دلدادگی من به مردم «گل» اندیش استان «بوشهر»، از ثبت قله‌های بلند و سترگ داشته‌ها و

شایستگی‌های آنان است و بس.

۵. اجمال نویسی: زبان نگارش «پژوهشی» و «بدون تکلف» است، بر

مبنای «اجمال و جامع» نویسی.

در این ۱۰ جلد، بر بخشی از تاریخ و فرهنگ این استان، که «تاریک» و در «تُجَار» مانده است، نور افکنده شده است. و صد البته، خانه چراغانی شده، تنها به مدد فکر و همت فرزندانِش هویت و معنا یافته است.

وجود منابع مکتوب قابل قبول، آمارها و اطلاعات دقیق و دسته‌بندی شده، اسناد تاریخی متقن در کتابخانه‌های مهم کشور و نویسندگان و مؤلفان و اشخاص مطلع و اهل قلمی کارآزموده و دلسوز، مهم‌ترین امتیاز این استان، برای پژوهش‌های علمی و آکادمیک محسوب می‌گردد.

مبنای تاریخ‌گذاری در این طرح، هجری خورشیدی است و با استفاده از منابع مستند گاه‌شماری، تاریخ‌های میلادی و قمری، تا حد امکان، به تاریخ شمسی (خورشیدی) تبدیل شده‌اند.

در مواردی که امکان معادل‌یابی وجود نداشت، از حروف مخففه «م.» برای تاریخ‌های میلادی و «ق.» برای تاریخ‌های هجری قمری (تازی) استفاده شده است.

شنبه، ۲۵ شهریور ماه ۱۳۹۲

تهران زکریا وستگار